

MILES MORALES: SPIDER-MAN

MARVEL

5

LGY#245

**SALADIN AHMED
JAVIER GARRÓN
DAVID CURIEL**

RATED T

دورنام

dorname.ir

کاری از: کیوان داوند

KING LION PATTIES
SODA · BEER · TEA · COFFEE · ICE CREAM · SANDWICHES

OPEN
ATM INSIDE

بروکلین
سه شنبه بعد از ظهر

این پانل از یک کمیک است که یک فروشگاه 'Jamaican Takeaway' را نشان می‌دهد. در سمت راست، یک مرد با کتبی آبی و موهای تاربان به سمت فروشگاه اشاره می‌کند. در داخل فروشگاه، چند نفر در صف ایستاده‌اند و کارکنان در حال سرویس هستند. یک تابلوی 'DAILY SPECIALS' در پس‌زمینه دیده می‌شود. سه حباب گفتاری حاوی متن فارسی قرار دارد.

حباب گفتاری ۱ (مرد آبی): اه، حالم به هم خورد پسر.

حباب گفتاری ۲ (مرد قرمز): یه بیف پتی با نون کوکو با پنیر و پیرونی و سس تند لطفاً.

حباب گفتاری ۳ (کارکنان): چی لازم داری عزیز؟

این واقع گرا بودن نیست،
ادامه شیوه غلطه.

گانگ، تو می دونی من از هشت سالگی
اینطور غذا می خوردم. راست
می گم.

پسر، این غذای مغزه منه. برای درس خوندن لازمش دارم.

بیرون هوا سرده!

راست می گی. من برای این هوا ساخته نشدم. هوای سرد منو به استرس میندازه.

FRESH
99¢



خوب، من دوست ندارم به استرست اضافه کنم. ولی می خوام راجع به سیستم پرتاب تورت پپر سم.



مایع سازنده تورت تموم شده و من مطمئن نیستم بتونم بازم برات درست کنم.

چی؟! چرا که نه؟



مدرسه سبک نظارتی خودش نسبت به آزمایشگاه رو عوض کرده. دیگه به پروژه های شخصی زیاد توجه نمی شه. قراره سخت...

BLAM BLAM



dormname.ir



صدای شلیک بود. صدای چند شلیک اومد.

برو کارتو بکن رفیق. ولی مواظب باش.

چند لحظه بعد...

همه خوبند؟
به نظرم مشکل جدی
پیش آمده بود.

مادر بزرگ، اون
مرد عنکبوتیه!



پایین خیابون.
این لات و لوتای
عوضی اند، اسپایدری.

اعضای
باند شهر دیگه اند
با اعضای گلدن لردز
درگیر شدند. یه جنگ
تمام عیار. ممکنه
بچه ها تیر بخورند!

نه
امروز.

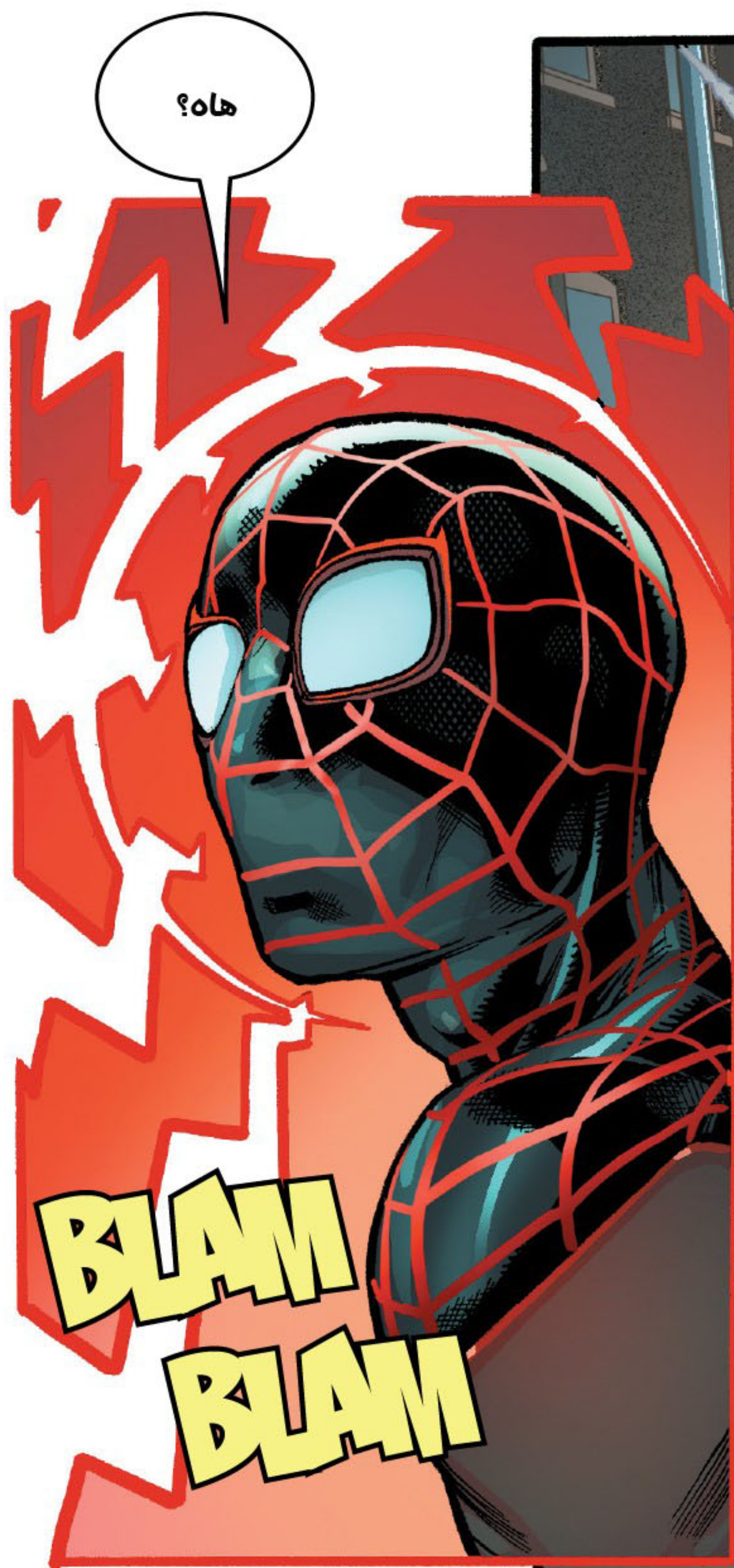


پوزه شما آماتورا
بدجوری به خاک مالیده
می شه! اینجا دیگه مال
شما نیست!

!%\$#@
"چشم ارواح"
تیر خورد!

سلام به دفتر خاطرات. اخیراً
چیز زیادی ننوشتم. دیروز
چند خیابون پایین تر از
مدرسه جلوی یه جنگ رو
گرفتم





دو دقیقه بعد...



تو واقعاً نمی دونی تو چه دوره ای زندگی می کنی، مگه نه؟

تو بگو.

پس قبل از اینکه پلیس سر و کله اش پیدا بشه و من مجبور به فرار بشم، یه کم با هم صحبت کنیم. این همه قیل و قال واسه چیه؟



اینا اعضای باند سنگ قبرند. از هارلم اومدن! می خوان اینجا رو مال خود کنند.

بچه بازی نیست که. برو کلین الان مال ماست.



رئیستون اینو بهتون گفته؟ کجا می تونم پیدا ش کنم؟ مجبورم نگو دوباره بپرسم.



هیچ ##@ای بهت نمی گم. پلیس ها دارن میان. پس دست کثیف تو بکش کنار.

باشه.



نگران نباش مرد عنکبوتی. رئیس خیلی زود پیدات می کنه. بهت قول می دم.

خوب، من یه جنگ خیابانی رو متوقف کردم. یه بمب خنثی شد.

ولی امروز وقت نهار یه
بمب دیگه سرم خراب شد.

آکادمی استعدادهای بروکلین

هی یه کم از
اون سیب زمینی ها
به من بده.

عجب! این
بیشتر از یه
کمه.

استرس گرفتم.
چون می خوام یه چیزی
ازت بپرسم.

استرس؟
برای چی؟ می دونی
که هر چی بشه من
حواسم بهت هست.

مایلز؟ چیزی هست که از من
پنهان می کنی؟ یه چیز
بزرگ؟

آآه...
مخفی؟ باربارا،
من... نه!

راز بزرگی داری که بخواهی با
من در میون بذاری؟ درست
فکر کن.

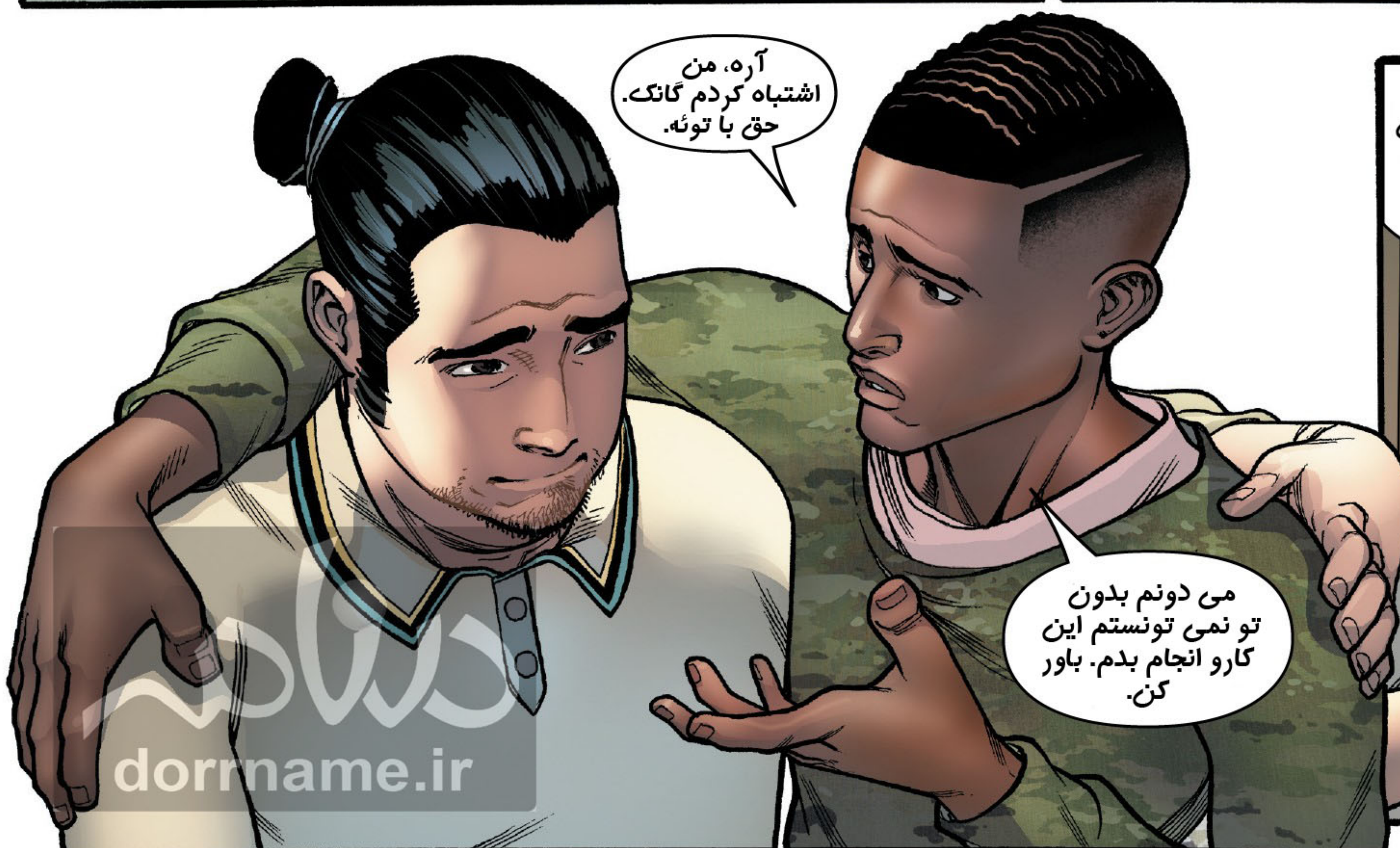
راز؟ منظورت
...نه! من...

آه-هاه. باشه. اگه تونی با
من روراست باشی، برای من زبون
نریز مایلز. بعدا می بینمت.

باربارا، من
... آره. باشه.
بعدا.

باربارا می دونه که
من مرد عنکبوتی ام؟
باید بهش بگم؟ چه
افتضاح شد.

و این تنها چیزی نیست که
ضد حاله...



گانک
بوگندو! اینجا
چیکار می کنی؟

سلام
شان.

داشتم رد
می شدم صدای شما
رو شنیدم. می دونستید
اخیرا مواد شیمیایی از
آزمایشگاه کم
می شن.

شنیدم اون
هلندیه می گفت
ممکنه بعضی از بچه های
بدبخت اونها رو دزدیده
باشند.

دیوونه
است، نه؟

دیوونگیه. ما
اینجا داریم روی
یه پلیمر جدید کار
می کنیم. پس اگه
تو...

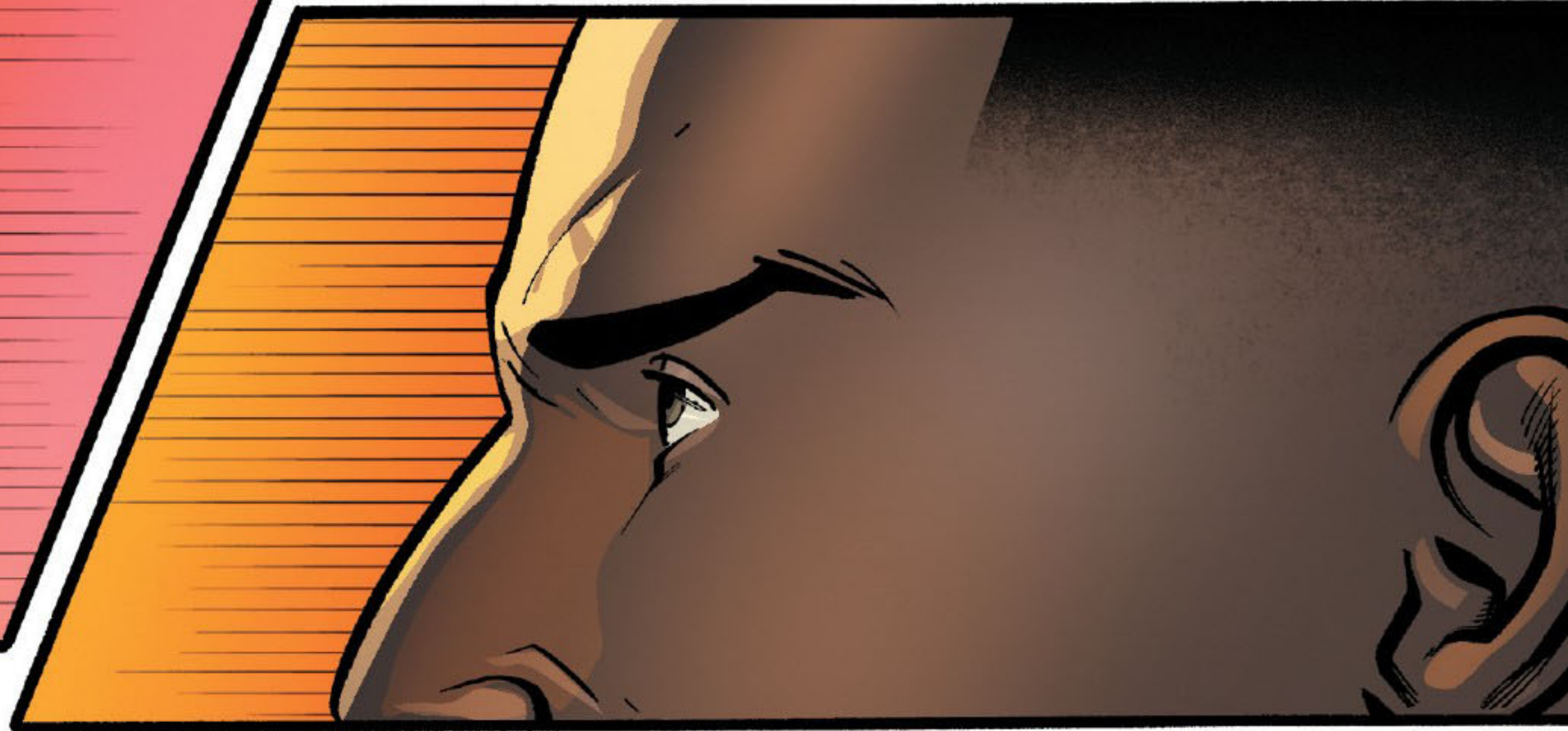
این
کیه؟

این مایلزه.
مایلز، این شانه.
اون...

می شناسمش.

سال اول یه
باشگاه می رفتیم.
بچه ها رو مجبور می کردی
تا توی رختکن بمونن و
بوی گندتو تحمل
کنند.

آره، خوب
از اون موقع بزرگتر
شدم. تو چی؟



اووه.
ترسیدم.



خوش شانس
من کارهای بهتری
دارم که انجام بدم
که ارزش تعلیق بخاطر
دعوا کردن رو نداره.
ولی مراقب خودت
باش خشن.



اون
پسر عوضی
رو...

آروم باش
پسر. چیکار می خواهی
بگنی؟ مشت عنکبوتی
حواله اش کنی؟



ایه.
شاید...

کاملاً
قهرمانانه.



به هر حال،
مسئولان مدرسه
مراقب آزمایشگاه هستند.
فکر نکنم بتونیم تارها رو اینجا
درست کنیم. باید خلاق تر
عمل کنیم.

پسر تازه یادم افتاد... من
تکلیف نگارش خلاق دارم.
وقت شعر خوندم.

امروز یه چیز خوب پیش رفت. پدرم وقتی داشتم تکلیفم رو انجام می دادم، زنگ زد.

سلام پدر.
دارم درس
می خونم.

به نظرم ناظممون آقای داجر بهش زنگ زده بود و گفته بود که شک نداره من کلاس ها رو می پیچونم. ماه پیش چند تا کلاس رو نرفته بودم ولی نتونست اثبات کنه. فکر کردم قراره سرمو به باد بدم.

نمی تونم از
غیبت هات چشم پوشی
کنم مرد بزرگ.

ولی می دونم
که آدم مسئولی هستی.
همه هر از گاهی یه زنگ تفریح
نیاز دارند. و من هم از لحن
حرفه زدن اون مرد
خوشم نیومدم.

آقای داجر؟ اون
فقط یه ابزاره. از من
بی دلیل کینه به دل
داره!

شاید حرفش درست
باشه پسر، ولی می خوام
بهم قول بدی که دیگه از این
تماس ها با من گرفته نشه.
شنیدی؟

حتماً
می خواهی
بدونی
تنبیهت چیه؟

ولی...
من...

بله.

ولی دیگه
بزرگ شدی. چطور
می تونم اسپایدر... آه
می دونی منظورم چیه... رو
تنبیه کنم؟

تو به من
قول دادی. همین
کافیه. دوست دارم
پسر.

منم
دوست دارم
پدر.



میرا، منم طرفدار
گروه های خلافکار قمه کش
نیستم. چطوره از اسم
اینا شروع کنیم؟

ولی کارتون
حال به هم
زنه.

و من
به درد
زبانه دونی
می خورم اگه
بذارم...

هاه؟

FIWASH

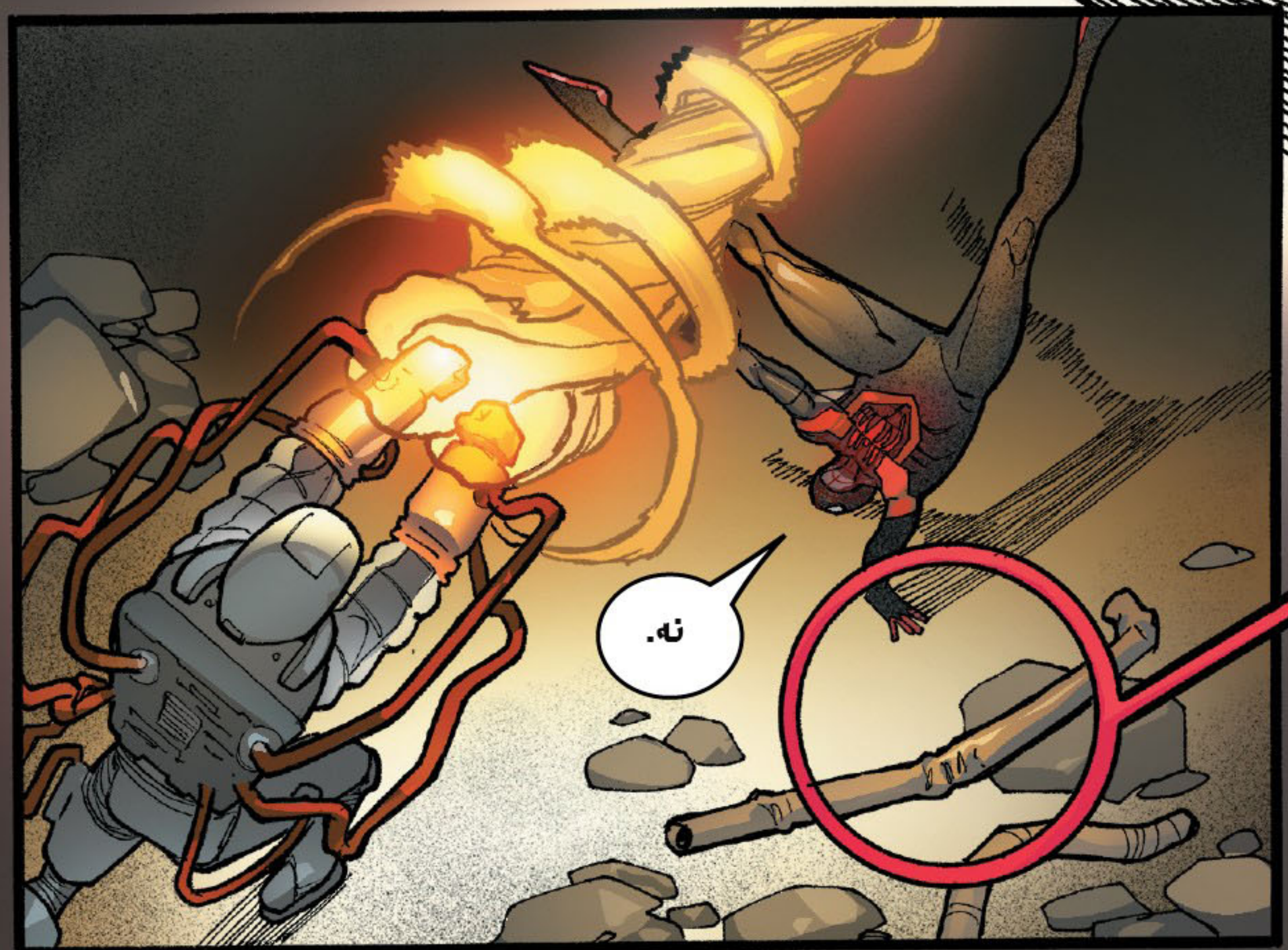
واو!



تو رو یادم میادا!
تو یکی از دوستهای
سنگ قبری.

ای-آوو!
دردم اومدا!

من یکی
از افسرهای سنگ
قبرم. و قراره جسد
سوخته تو رو برای
رئیس ببرم!



نه.

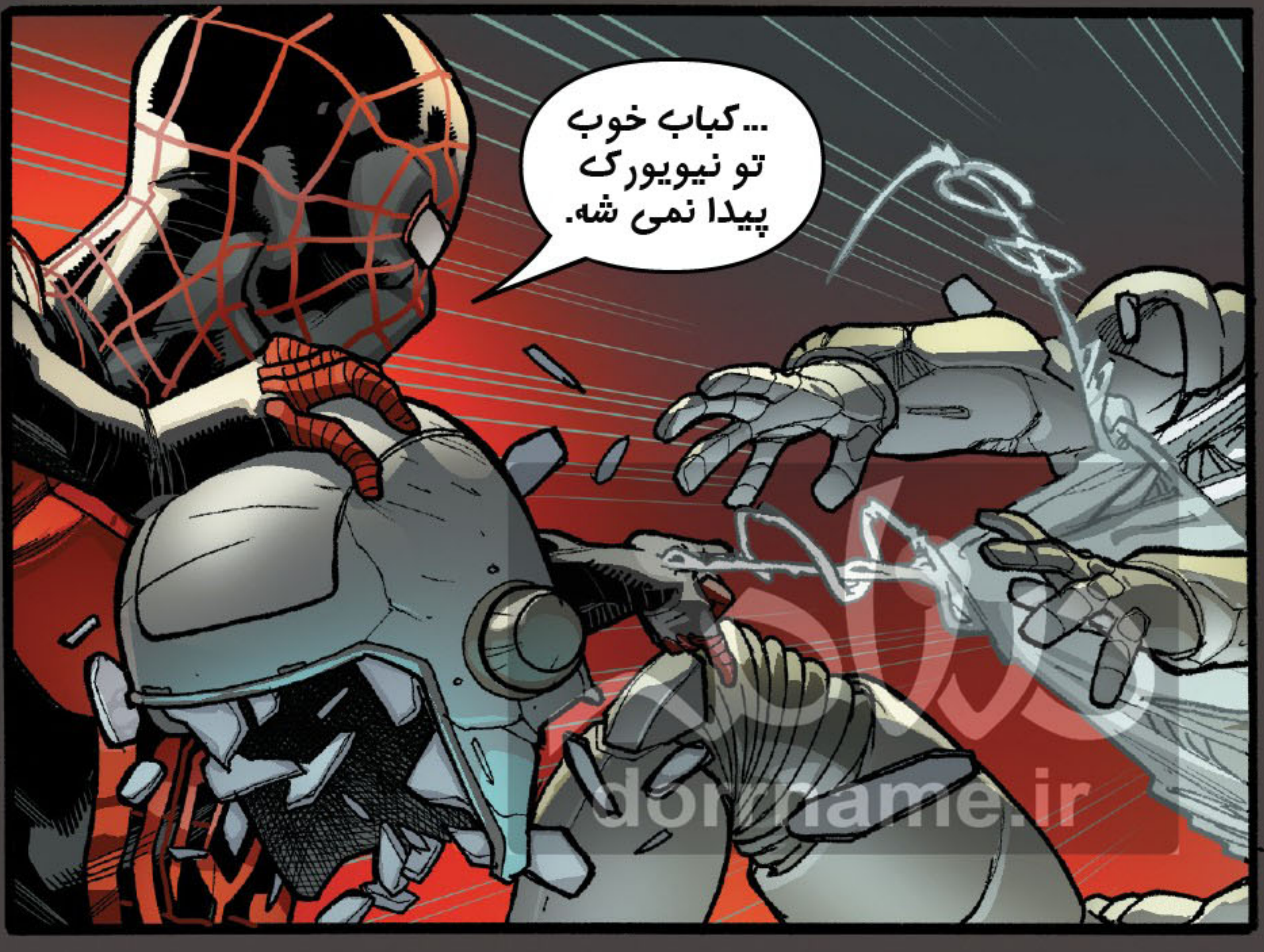


من
شهرمو دوست
دارم...

CLANG



...ولی حتی
منم می دونم.



...کیاب خوب
تو نیویورک
پیدا نمی شه.

چند لحظه بعد...

سنگ قبر پاشو
از گلیمش درازتر کرده...
باید جلوشونو گرفت. مردم
دارن می میرند. نمی بینید
داره از کنترل درمیا؟

هیچ #!%\$ ی
نمی بینم.

خوب. فقط
بهم بگو سنگ قبر
کجاست. من و اون
می تونیم مردونه راجع
بهش صحبت کنیم.

آوا! بهت
هیچ #!%\$ ای
نمی گم.

یه حرفه ای
هاه؟ خوبه. حتماً
بقدری باهوش هستی
که تلفن داشته
باشی.

می بینم که
همه بچه ها اینجا
تلفن همراهشونه.

امنیت
تلفنشون خیلی
ضعیفه. و فکر کنم یکی
از اونا بقدری احمق باشه
که لوکیشن روشن
باشه...

...برای
آخرین باری که
به پناهگاهتون
رفته!

خیلی خوش
گذشت بچه ها.
سلامتونو به ریاستون
می رسونم.

BUSHWICK
9:30 AM - 4:45 PM
TODAY
2:30 PM - 6:15 PM
YESTERDAY
9:00 AM - 1:45 PM
YESTERDAY
2:15 PM - 5:00 PM
TUESDAY
12:45 PM - 1:30 PM
TUESDAY
12:15 PM - 12:45 PM
TUESDAY
SEE MORE



دیشب خیلی اتفاقات
احمقانه ای افتادند.



به پناهگاه سنگ قبر
نفوذ کردم...



ZZZZT



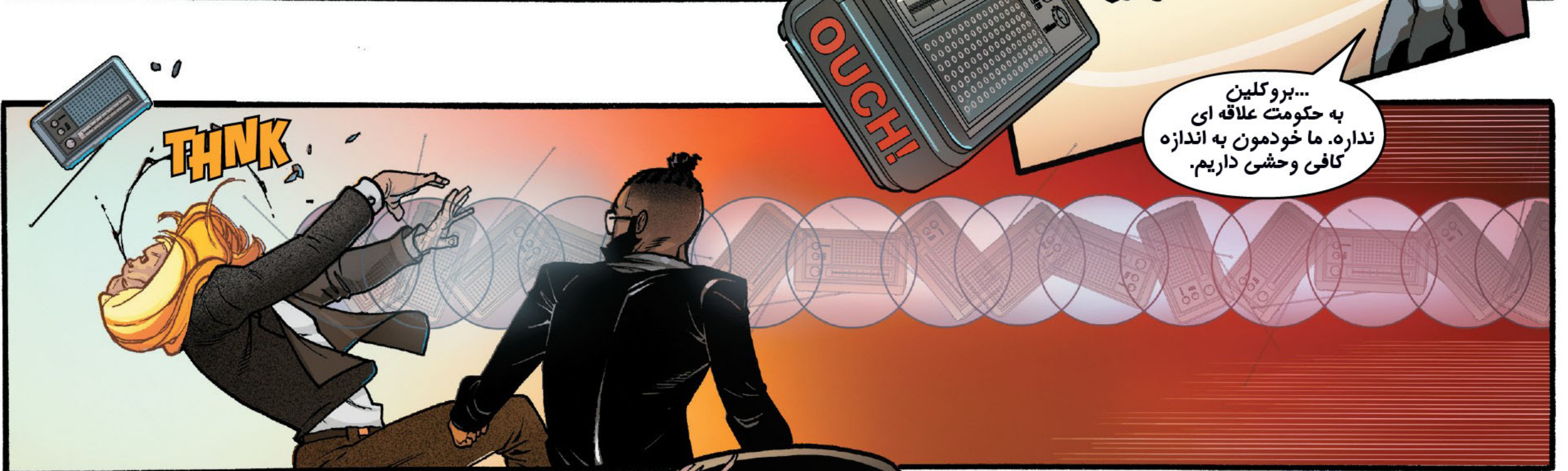
...خوب زیاد شبیه یه
پناهگاه نبود. بیشتر یه
زباله دونی بود.

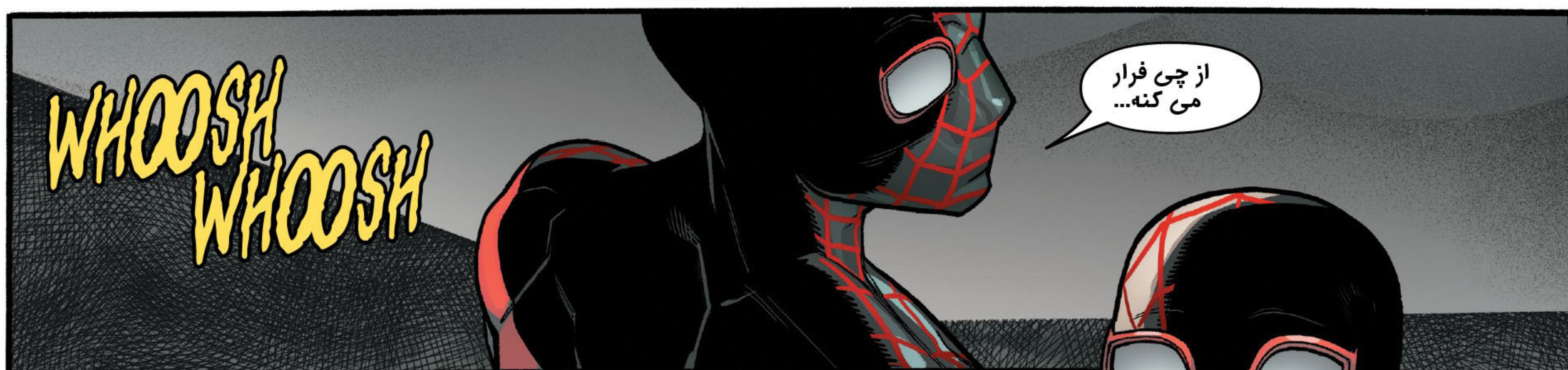
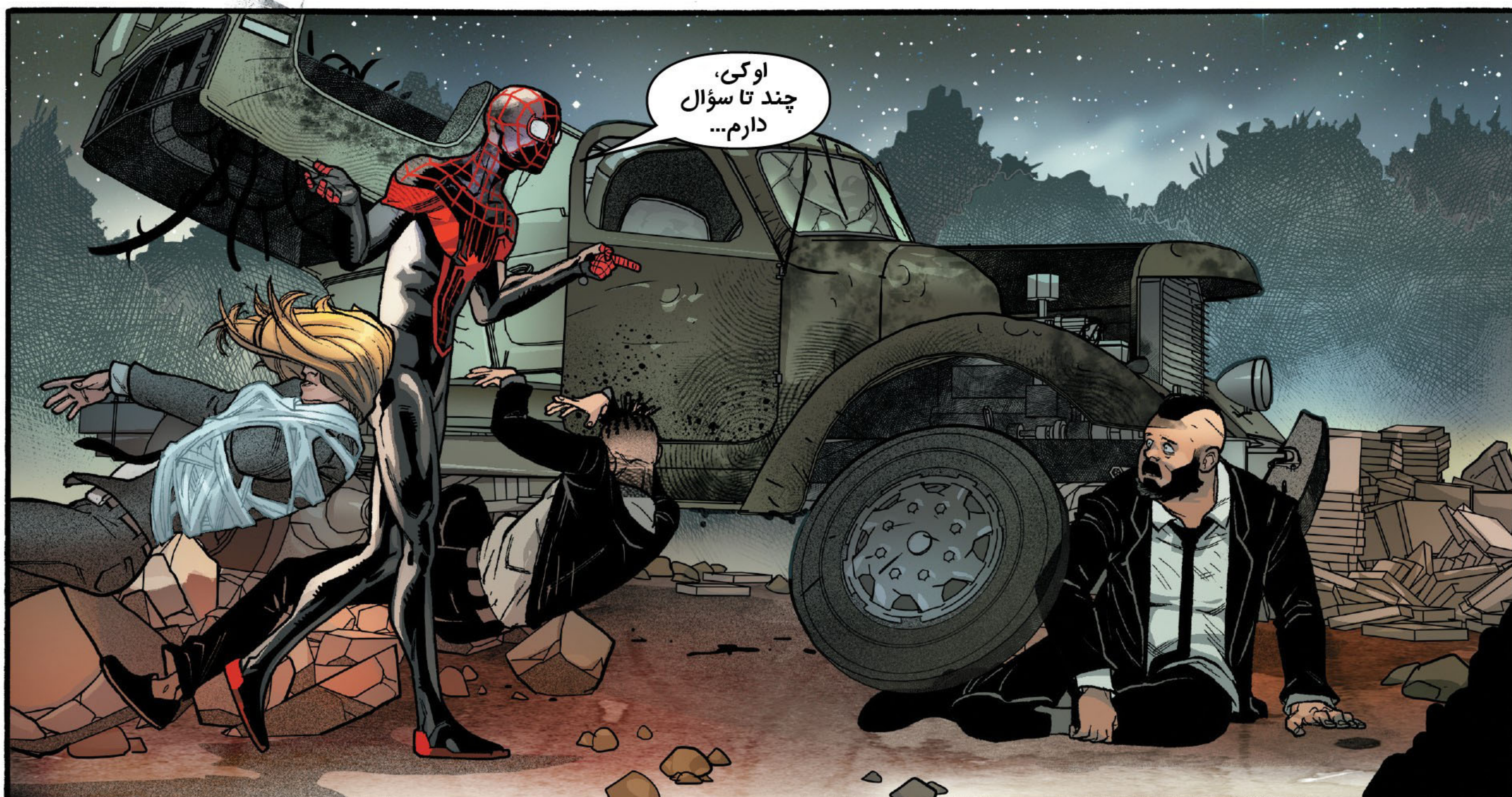
محموله اینه؟



آره. مثل
هدیه های کریمس
قشنگه.

قدرت آتشی
مثل این؟ گروه
سنگ قبر قراره به بروکلین
حکومت کنه.





تو اون زیاله دونی دنبال یه
هیولا می گشتم ولی آخرش...



...یه فرشته
پیدا کردم.

من دنبال
سنگ قبر می گردم.
می تونی به من بگی

استارلینگ!

ادامه دارد...

MILES MORALES: SPIDER-MAN



NEXT: ISSUE #6

MILES MORALES: SPIDER-MAN

MARVEL

5

LGY#245

SALADIN AHMED
JAVIER GARRÓN
DAVID CURIEL

RATED T

دورنامه

dorname.ir

مرجع کمیک های فارسی